

سیرجان داروینی نگاه کنیم و با باور به اینکه قوی تر شدن و بقای اصلح تنها راه موجود تداوم اقتصاد پویای پسته خواهد بود، سعی کنیم دو بخش تولید و فروش و صادراتمان را مدام بروزرسانی کرده و خود و محصولمان را با شرایط جدید اقلیمی و آبی و بازار جهانی سازگار کنیم.

خانواده و فرزندان و شهرشان همگی دنبال این باشند چطور مصرف آب چاهشان را کمتر کنند و ذخایرشان را بیشتر. گاهی با استفاده از روش‌ها و فناوری‌های نوین و گاهی حتا با کلک‌هایی مثل آبیاری شبانه یا حتا پوشال پاشی در مسیر جویها برای کاهش میزان تبخیر آب. بنابراین بد نیست اگر کمی هم به این صنعت کشاورزی و باغداری

اقتصادهای تک‌محصولی‌ست ولی چه می‌توان کرد که کف دست کشاورزی ما با وجود داشتن بادام و اندکی گل محمدی و مثقالی زعفران، موی دیگری برای کندن ندارد و واقعا اگر نبودند معادن که با اقتصادشان تنور گرمی کنند برای کسب و کار سیرجان، ما با هر سرمازدگی بیش از پیش عزادار زار و زندگی‌مان می‌شدیم و به معنای واقعی کلمه به روز سیاه می‌نشستیم. جای خوشحالی دارد که امسال را از این عزا رستیم ولی به قولی می‌گویند این بار جستی ملخک... بد هم نبود اگر باغداران ما به جای تکیه‌ی هرساله به احتمال و بخت و اقبال، دنبال راه‌های علمی و عملی می‌رفتند که از طریق توسل به همان جناب داروین و اصلاح نژاد و کاشت پسته‌ی دیرگل با این آفت هرساله‌ی سرمازدگی مقابله کنند. از تجارب شهرها و کشورهای دیگر بیاموزند و از نظر کارشناسی مهندسان مرتبط با گرایش باغ و پسته بهره‌ی بیشتری می‌بردند.

تهدید دیگری که اقتصاد پسته‌محور ما را تحت شعاع خود قرار می‌دهد همان خشکسالی و پیشرفت آب شور در چاه‌هاست. گرچه پسته با آب شور سازش دارد ولی دیگر نه به آن شوری شور. بد نیست کشاورزان و مالکان برای آینده خودشان هم که شده فکری برای مدیریت مصرف آب باغ‌های خود کنند و فقط دولت دنبال ته‌سری برای آنها حذف روش‌های غرقابی و سنتی نباشد بلکه کشاورزان خود پیشگام باشند و به خاطر آینده‌ی اقتصادی خود و

آنلاین
آب

